

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

رشته زبان و ادبیات فارسی

بررسی و تحلیل شعر محمدعلی افراشته

استاد راهنما:

دکتر جهانگیر صفری

استاد مشاور:

دکتر سید کاظم موسوی

پژوهشگر:

الهه تاجی

مهرماه ۹۲

چکیده

محمدعلی افراشته (۱۲۸۷ - ۱۳۳۸) شاعری است آزادی خواه که تمام دوران زندگیش را در راه دفاع از حقوق طبقات زحمتکش صرف کرد. وی اشعار گیلکی و فارسی فراوانی سروده است. افراشته از زبانی ساده و وزن کلاسیک برای سرودن اشعار خود استفاده کرد. زبان روان شعر او آن قدر با زبان مردم جوش خورده که بسیاری از گفته هایش، ضرب المثل و زبانزد خاص و عام شده است. درونمایه و محتوای اشعار افراشته، نموداری از وضع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور در فضای معاصر اوست. احاطه اش به واژه های گیلکی و سنت های کهن گیلان و روانشناسی روستایی اش که با احساسات وطن پرستی و ملت دوستی آمیخته شده در همه ی سروده هایش نمایان است. از ویژگی های مهم سروده های افراشته این است که به آفرینش تیپ می پردازد و طنز خود را لابه لای همین تیپ سازی ها ارایه می دهد. طنز شعرش انعکاس مسائل اجتماعی از جمله؛ بیکاری، محرومیتها، تبعیضها، رشوه خواریها و فساد حاکم بر دستگاه حکومت است. در این پژوهش تلاش بر این است که اشعار محمدعلی افراشته به لحاظ ساختار و محتوا مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه: افراشته، محتوا، ساختار، طنز

فهرست مطالب

فصل اول : کلیات	۹
۱-۱- مقدمه و معرفی طرح.....	۹
۱-۱-۱- زندگی محمدعلی افراشته و وضعیت سیاسی و اجتماعی دوران او.....	۱۰
۱-۱-۲- بررسی شعر و آثار ادبی افراشته.....	۱۱
۱-۱-۳- افراشته، حزب توده و شعر چپ گرا.....	۱۴
۲-۱- اهداف اصلی طرح.....	۱۶
۳-۱- ارائه فرضیات.....	۱۶
۴-۱- پیشینه تحقیق و بررسی منابع.....	۱۶
۵-۱- مواد و روش اجرا.....	۱۶
فصل دوم : محتوا و موضوعات درونی شعر افراشته	۱۷
۱-۲- تعهد گرایی در شعر.....	۱۷
۲-۲- زن	۱۹
۳-۲- دعوت به مبارزه و امید به آینده.....	۲۲
۴-۲- مبارزه با امپریالیسم جهانی و استعمارگران خارجی.....	۲۳
۵-۲- حمایت از انقلاب ها و قیام های چپ گرای خارجی و داخلی.....	۲۶
۶-۲- مسائل دهقانان و کارگران و نفی نظام ارباب و رعیت.....	۳۰
۷-۲- انتقاد از دولت و مجلس.....	۴۰
۸-۲- انتقاد از اوضاع اقتصادی کشور.....	۵۰
۹-۲- انتقاد از نیروهای امنیه (ژاندارمری)، ارتش و شهربانی.....	۵۳
۱۰-۲- انتقاد از قوه قضاییه.....	۵۹
۱۱-۲- انتقاد از شهرداری.....	۶۰
۱۲-۲- انتقاد از رادیو.....	۶۱
۱۳-۲- مبارزه با مواد مخدر.....	۶۱

۶۲	انتقاد از سران برخی از احزاب.....	۱۴-۲
۶۳	تقابل فقر و غنا.....	۱۵-۲
۶۷	فصل سوم : طنز در شعر افراشته	
۶۷	۱- تعاریف ، سابقه و علل گرایش به طنز.....	۱-۳
۷۰	۲- آغاز طنز پردازی در ایران.....	۲-۳
۷۲	۳- شیوه های رایج طنز و شوخ طبعی.....	۳-۳
۷۳	۴- ساختار های طنز معاصر.....	۴-۳
۷۴	۱- وجه اول : مضامین طنز در شعر افراشته.....	۱-۴-۳
۷۴	۱-۱- انتقاد از رؤسا و صاحب منصبان.....	۱-۱-۴-۳
۷۵	۲- انتقاد از شاه.....	۲-۱-۴-۳
۷۵	۳- انتقاد از اوضاع کشور.....	۳-۱-۴-۳
۷۶	۴- کم اهمیت شمردن و موجه دانستن مفاسد و معایب به نیت افشای آن ها(توجیه وارونه).....	۴-۱-۴-۳
۷۶	۵- دادخواهی و شکایت.....	۵-۱-۴-۳
۷۷	۶- تناقض گوئی.....	۶-۱-۴-۳
۷۸	۲- وجه دوم : شکل بیان طنز.....	۲-۴-۳
۷۸	۱- اغراق در طنز.....	۱-۲-۴-۳
۷۸	۲- آمیختن چند زبان با یکدیگر.....	۲-۲-۴-۳
۷۸	۳- ارسال المثل.....	۳-۲-۴-۳
۷۹	۴- مقایسه ای.....	۴-۲-۴-۳
۸۰	۵- همانند سازی (تشبیه).....	۵-۲-۴-۳
۸۰	۶- تغییر در شکل نوشتار کلمه.....	۶-۲-۴-۳
۸۰	۱- تغییر شکل املائی واژه.....	۱-۶-۲-۴-۳
۸۱	۲- تغییر در نویسه ها و جابجایی حروف واژه.....	۲-۶-۲-۴-۳
۸۱	۷- استفاده از دو زبان.....	۷-۲-۴-۳

- ۸۱۳-۴-۲-۷-۱- فارسی و عربی.....
- ۸۱۳-۴-۲-۷-۲- فارسی و انگلیسی.....
- ۸۲۳-۴-۲-۸- استعاره عنادیه.....
- ۸۲۳-۴-۲-۹- نقیضه پردازى در خدمت طنز.....
- ۸۳۳-۴-۲-۱۰- تضمین در خدمت طنز.....
- ۸۴ فصل چهارم : ساختار زبانی شعر افراشته
- ۸۵۴-۱- زبان و بلاغت.....
- ۸۶۴-۱-۱- زبان.....
- ۸۷۴-۱-۱-۱- ساختمان جمله ها (انواع جمله).....
- ۸۷۴-۱-۱-۱-۱- جملات مرکب.....
- ۸۷۴-۱-۱-۲- جملات ساده و کوتاه.....
- ۸۷۴-۱-۱-۲- واژه های نقش نما و حروف اضافه.....
- ۹۰۴-۱-۱-۳- استفاده از وزن کهن.....
- ۹۰۴-۱-۱-۴- کاربرد الف اطلاق.....
- ۹۱۴-۱-۱-۵- حذف فعل.....
- ۹۱۴-۱-۱-۵-۱- حذف فعل به قرینه لفظی.....
- ۹۱۴-۱-۱-۵-۲- حذف فعل به قرینه شناسه « م ».....
- ۹۱۴-۱-۱-۶- ساخت مصدر جعلی.....
- ۹۲۴-۱-۱-۷- جمع بستن نامتعارف.....
- ۹۲۴-۱-۱-۸- کهن گرایی (archaism)
- ۹۲۴-۱-۱-۸-۱- فعل های کهن.....
- ۹۳۴-۱-۱-۸-۲- واژه ها و صفت های کهنه و منسوخ.....
- ۹۳۴-۱-۱-۸-۳- استفاده از واژه های عربی.....
- ۹۶۴-۱-۱-۸-۴- واژه های دشوار و بیگانه.....

- ۹۸.....واژه های نشان دار و بی نشان.....۵-۸-۱-۱-۴
- ۱۰۰.....تغییر در واژه ها (واژه سازی).....۶-۸-۱-۱-۴
- ۱۰۰.....دوبار جمع ساختن واژه ها (جمع الجمع).....۱-۶-۸-۱-۱-۴
- ۱۰۰.....دستان ها.....۲-۶-۸-۱-۱-۴
- ۱۰۰.....استفاده از پسوند های جمع عربی.....۳-۶-۸-۱-۱-۴
- ۱۰۱.....ساختن صفت مرکب.....۴-۶-۸-۱-۱-۴
- ۱۰۱.....ساختن فعل و مصدر.....۵-۶-۸-۱-۱-۴
- ۱۰۲.....بازی با واژه ها.....۶-۶-۸-۱-۱-۴
- ۱۰۳.....ساخت و نقش معنایی جمله های.....۷-۶-۸-۱-۱-۴
- ۱۰۳.....جملات پرسشی.....۱-۷-۶-۸-۱-۱-۴
- ۱۰۴.....جملات دعائی.....۲-۷-۶-۸-۱-۱-۴
- ۱۰۴.....جملات تمنائی.....۳-۷-۶-۸-۱-۱-۴
- ۱۰۴.....جملات تعجب.....۴-۷-۶-۸-۱-۱-۴
- ۱۰۵.....تعقید.....۸-۶-۸-۱-۱-۴
- ۱۰۵.....تعقید معنوی (جملات پیچیده).....۱-۸-۶-۸-۱-۱-۴
- ۱۰۵.....تعقید لفظی (پیچیدگی و دشواری).....۲-۸-۶-۸-۱-۱-۴
- ۱۰۵.....ویژگی واژگانی.....۹-۱-۱-۱-۴
- ۱۰۶.....واژگان معاصر.....۱۰-۱-۱-۱-۴
- ۱۰۶.....واژه های حسی (عینی) یا انتزاعی (ذهنی).....۱-۱۰-۱-۱-۱-۴
- ۱۰۶.....واژه های عینی و محسوس.....۱-۱-۱۰-۱-۱-۱-۴
- ۱۰۷.....واژه های ذهنی و انتزاعی.....۲-۱-۱۰-۱-۱-۱-۴
- ۱۰۷.....واژه های رکیک.....۲-۱۰-۱-۱-۱-۱-۴
- ۱۰۸.....واژه های عام.....۳-۱۰-۱-۱-۱-۱-۴
- ۱۰۹.....اسم و صفات عامیانه و لحن محاوره.....۴-۱۰-۱-۱-۱-۱-۴

۱۱۳.....	۴-۱-۱-۱۰-۵- فعل و عبارات عامیانه.....
۱۱۶.....	۴-۱-۱-۱۰-۶- واژه های عربی در شکل عامیانه.....
۱۱۶.....	۴-۱-۱-۱۰-۷- لایه آوایی واژه ها.....
۱۱۶.....	۴-۱-۱-۱۰-۷-۱- مخفف کردن واژه ها (تخفیف).....
۱۱۸.....	۴-۱-۱-۱۰-۸- اتباع.....
۱۲۰.....	۴-۱-۲- بلاغت.....
۱۲۰.....	۴-۱-۲-۱- ارسال مثل و کاربرد ضرب المثل ها.....
۱۲۱.....	۴-۱-۲-۲- تکرار.....
۱۲۱.....	۴-۱-۲-۳- کنایه.....
۱۲۴.....	۴-۱-۲-۴- تشبیه.....
۱۲۴.....	۴-۱-۲-۵- تضمین.....
۱۲۶.....	۴-۱-۲-۶- سوگند عامیانه.....
۱۲۷.....	نتیجه گیری.....
Error! Bookmark not defined.	فهرست منابع.....

فصل اول :

کلیات

۱-۱- مقدمه و معرفی طرح

شعر در دوران معاصر، به جریان‌ها و گرایش‌های مختلفی مانند شعر نیمایی، شعر سنت‌گرا و کلاسیک، شعر سپید، موج‌نو، شعر حجم، شعر ناب و پلاستیک تقسیم شده است که این گرایش‌ها و موج‌ها در زمینه‌های مختلف زبان، محتوا و بلاغت با شعر کلاسیک تفاوت دارند. برای نمونه زبان شعر از دوران مشروطه به بعد تحت تأثیر عواملی همچون ترجمه آثار اروپایی، انتشار روزنامه و چاپ، رو به سادگی گذاشت. تغییرات در حوزه زبان در دوره مشروطه، در حد استفاده از زبان کوچه و بازار و استفاده از واژگان زبان‌های فرنگی بود و پس از آن به تدریج تحولات گسترده‌ای را پشت سر می‌گذارد. «زبان شعر مشروطه، اندک‌اندک، به زبان کوچه نزدیک می‌شود؛ چه از لحاظ نحو و چه از لحاظ صرف، یعنی واژگان. زبان شعر مشروطیت واژگان اروپایی را هم کم‌کم به خودش راه می‌دهد» (شغیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۴۰).

البته از دوران مشروطه به بعد، تغییرات به وجود آمده در حوزه زبان، شکل‌های متفاوتی داشته است: برخی از شاعران سنتی سرا همان زبان کهن را به کار برده؛ گروهی مانند نیما در اشعار آزاد خود از تمام ظرافت‌های زبان امروز استفاده کرده‌اند. توللی و طرف‌داران او، بیشتر زبان شعرشان، زبانی نرم و خوش‌آهنگ بوده است: «یکی از ویژگی‌هایی که در خواندن اشعار بسیاری از شاعران رمانتیک جلب توجه می‌کند، زیبایی، دلربایی، نرمی و طنین خوش‌واژه‌ها و ترکیبات است؛ چیزی که شاعران رمانتیک در رعایت آن

تعمد داشتند» (پورچافی، ۱۳۸۴: ۱۲۰). شاعرانی مانند اخوان، شاملو و فروغ زبان سمبلیک و نمادین را برای بیان اندیشه های خود برگزیده اند. در زمینه محتوا نیز مضامین جدیدی مانند، قانون، آزادی، کارگران، مسائل زنان، تعلیم و تربیت، دموکراسی و به طور کلی همه ی مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی انسان امروزی در شعر بازتاب یافته است. از جنبه بلاغی نیز بسیاری از شاعران سعی کرده اند که تصاویری را در اشعار خود استفاده کنند که نو و حاصل دید خودشان است.

در این دوران نیز افراد زیادی شروع به سرودن شعر کرده اند که بررسی اشعار آنها - چه در سطح عالی و چه در سطح پایین - در شناخت شعر معاصر از اهمیت وافری برخوردار است؛ به همین منظور در این پژوهش به بررسی شعر محمدعلی افراشته به عنوان یکی از شاعران معاصر که می توان او را شاعر «طبقه رنجبر و کارگر» نامید، پرداخته می شود تا جایگاه او در شعر معاصر بیشتر و بهتر شناخته شود. این پژوهش شامل چهار فصل است: در فصل اول بعد از ذکر اهداف، فرضیه ها و روش تحقیق به مسائلی همچون زندگی شاعر و وضعیت سیاسی و اجتماعی دوران او پرداخته شده است. فصل دوم به محتوای شعر او اختصاص دارد که در این فصل موضوع های شعری او همچون انتقاد از حکومت، انتقاد از شرایط اقتصادی جامعه، کارگران و مسائل آنها، زنان و تقابل بین فقیر و غنی مطرح شده اند. فصل سوم به موضوع طنز و فصل چهارم نیز مختص به مسائل زبان شعر این شاعر است.

۱-۱-۱- زندگی محمدعلی افراشته و وضعیت سیاسی و اجتماعی دوران او

محمد علی افراشته در دوران پر آشوب سیاسی اجتماعی و فرهنگی بعد از مشروطه تا اواخر دهه ی سی می زیست. وی فرزند حاج شیخ جواد مجتهد باقلعه ای است و در سال ۱۲۸۷ خورشیدی در رشت متولد شد. دورانی کودکی او مصادف با حوادث مشروطه و پس از آن و دوران نوجوانی و جوانی او مصادف با حکومت رضا شاه پهلوی است. دورانی که در کشور مسائل اجتماعی و سیاسی مختلفی روی داد که از جمله آنها می توان به این موارد اشاره کرد: «ایجاد جاده، راه آهن، کارخانه، مدارس، دانشگاه، اعزام دانشجویان به اروپا، تبدیل تقویم قمری به شمسی، تغییر لباس مردان، ممنوعیت حجاب زنان، نظام وظیفه ی اجباری، ورود کالاهای خارجی، ترویج فرهنگ ملی و ایران باستان» (امین پور، ۱۳۸۶: ۳۹۲). رضاخان در شهریور بیست کشور را ترک کرد و ارتشی که این همه به آن افتخار می شد نتوانست جلوی کشورهای بیگانه را بگیرد و خیلی زود کشور به تصرف کشورهای آمریکا انگلیس و شوروی درآمد. پس از رضا خان، محمدرضای جوان به تخت سلطنت نشست که به دلیل بی تجربگی یا به دلایل دیگر مدتی فضای بازی در کشور ایجاد شد و وضعیت سیاسی و اجتماعی جدیدی را مردم برای مدت کوتاهی تجربه کردند. «محمدرضا شاه هنوز بسیار جوان بود و در آن اوضاع به هم ریخته عملاً تور بازی جاه طلبان و سیاست بازان شده بود؛ سازمان و حزب نیرومندی وجود نداشت؛ کشورهای استعماری هم به دلیل گرفتاری شان در سطح جهان، فرصت رقابت با هم و تسلط بر ایران را نداشتند» (لنگرودی، ۱۳۷۷، ۲۲۰): اما کمی بعد و سرانجام با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ این جو بر هم زده شد و محمدرضا شاه با کمک عوامل کودتا توانست دیگر بار اهداف و مقاصد پدر را با همان رویکرد استبدادی ادامه دهد. افراشته در چنین دورانی بود که بالید، شعر سرود و سرانجام دار فانی را وداع گفت.

از نظر خانوادگی، پدر وی مردی اهل علم بود که کم و بیش ثروت، نفوذ و کیابایی داشت. افراشته در آغاز به نام «راد باز قلعه ای» شهرت داشت. از این طریق با زندگی سخت روستاییان گیلان و با فرهنگ و آداب و رسوم مردم گیلک آشنا شد (ر.ک افراشته، ۱۳۵۸: ۹). او در زمان حیات مشاغل مختلفی را تجربه کرده است، ابتدا در شرکت های مختلف کار می کرده و بعد از آن از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰ دلال معاملات خانه بوده، از ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۸ در امجدیه پلاک های سیمانی می ساخته، از ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۴ در شهرداری به عنوان معمار کار می کرد، از ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۹ با برادر خود «شرکت آبیاب» را تأسیس کردند و در آن شرکت مشغول کار بود و بالاخره از اسفند ۱۳۲۹ که دفتر روزنامه ی چلنگر را در خیابان نواب دایر کرد تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به انتشار روزنامه پرداخت. البته از سال ۱۳۱۴ در روزنامه ی فکاهی «امید» و بعدها در روزنامه ی «توفیق»، با امضاهای «پرستو چلچله زاده» و «معمارباشی» کار مطبوعاتی انجام می داد و لابه لای این کارها هم گاهی معلم گاهی هم هنرپیشه ی تئاتر بود.

پس از فروپاشی دستگاه ستم شاهی رضاشاه، مردم خواب زده و وترس خورده بیدار شدند و به خود آمدند. افراشته به حزب نوبنیاد توده ایران پیوست. شعر او به قول عبید زاکانی «به شهید ظرافت در آمیخته، همچون لبخندی بر چهره کمی عبوس روزنامه حزب جا گرفت. افراشته خود با فروتنی طنزآلودی می گفت: خریدار شعر من بالاشهری ها نیستند. از توپخانه به پایین بازار من است.» (افراشته ۱۳۵۸: ۱۰) افراشته در طول ۵۱ سال زندگی پر فراز و نشیب خود که سرانجام در غربت به اتمام رسید با فقر و محرومیت دست به گریبان بود. فروش گچ، کارگری در شرکت های ساختمانی، بنگاه های معاملات ملکی، کار در شهرداری با عنوان معمار، آموزگاری، هنرپیشگی تئاتر، مجسمه سازی، نقاشی، روزنامه نگاری و ... از این نظر، دردهای اجتماع را با پوست و گوشت خود، سبک سنگین کرد. تجربه های تلخ خود را در آثار و اشعارش در میان قشرهای گوناگون اجتماع نشر می داد.

۱-۱-۲- بررسی شعر و آثار ادبی افراشته

پیش از پرداختن به ویژگی های گفته شده برای شعر افراشته، برای روشن شدن جایگاه افراشته در میان شاعران معاصر برخی از ویژگی های شعر نو بیان می شود. شعر نو فارسی در مقایسه با شعر قدیم در حوزه ی زبان، تخیل، اندیشه ها و عواطف، شکل و موسیقی تفاوت های عمده ای دارد. (ر.ک. روزبه ۱۳۸۱: ۴۱-۲۶) شعر نو فارسی که با نیما متولد شد این فرصت را به شاعران پیرو او داد تا آزادانه و آسوده از قید و بندهای قالب های سنتی به شعر بپردازند و مضامین ذهنی خود را به نمایش بگذارند.

در شعر دوره مشروطه و بعد از آن صبغه اجتماعی رمانتیسم بر دیگر ابعاد آن غلبه دارد و پربسامدترین مضامین آن عبارت است از دل‌بستگی شدید آرمانی به انقلاب و آزادی، همدردی با توده های محروم و رنج‌دیده، امید به افقهای روشن و آینده آرمانی، میهن دوستی و ناسیونالیسم و توجه به ایران باستان و شکوه از دست رفته. در این میان یادآوری دو نکته ضرورت دارد: نخست اینکه رمانتیسم و ناسیونالیسم خواهران توأمان اند و همواره یک گام رمانتیسم به جهت ماهیت آن به سوی ناسیونالیسم متمایل است (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳: ۱۱۰) و دوم این که ناسیونالیسم و میهن پرستی مطرح شده در دوره مشروطه که

از ارکان رمانتیسم آن دوره است، در دیدگاه شعرای این دوره یکسان نیست و ناسیونالیسم میرزاده عشقی با سید اشرف، ادیب الممالک، بهار و ... متفاوت است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۴۶۷)

اولین و مهم ترین شعر این عصر که پاره ای از مضامین مهم در آن به کار رفته، مسمط معروف «یادآر ز شمع مرده یاد آر» از علی اکبر دهخدا (۱۲۵۸-۱۳۳۴) است. این شعر را به دلیل شکل گیری اولیه آن در عالم رویا، امید به عصر طلایی و افق های روشن در آینده، پرداختن به پاره عناصر طبیعت و برخورداری از فرم و قالب و محتوای تازه می توان شعری رمانتیک به حساب آورد «این شعر گویا نخستین شعر فارسی است که آثار مشخص اشعار اروپایی را دارد و نه تنها ضرورت جدیدی در ادبیات منظوم ایران به وجود آورد، بلکه از جهت سمبولیسم عمیق و لحن استوار خود شایان توجه است» (آرین پور، ۱۳۷۹: ۹۵). در دوره رضا شاه، با توجه به شرایط سیاسی اجتماعی موجود، شعر و شاعران چندان وضعیت مطلوبی نداشتند. برای نمونه شاعری مانند لاهوتی کشور را ترک گفت؛ عشقی کشته شد؛ عارف خود را در دره ای در همدان مخفی کرده بود و شعر نیز چنین وضعیتی داشت: «در چنین اوضاع و احوالی، شعر فارسی چه چیزی برای گفتن داشت، جز این که هدف اصلی خود را ببازد - یعنی هدف تماس با اعماق زندگی و جامعه - و یا این که برای مدتی چشم روی هم بگذارد و اگر هم خواست درباره ی هدفش سخن راند، آن را با واژگان پیچیده و دو پهلو بیالاید» (آژند، ۱۳۶۳: ۳۴۷). بعد از برکناری رضاخان و استعفا دادن او، با فضای بازی که در کشور ایجاد می شود و تقریباً تا کودتا ادامه دارد، بسیاری از روشنفکران و به خصوص شاعران مجال این را می یابند که اندیشه های خود را بیان کنند و شاعران چه نوگرایان و چه سنتی به تبلیغ اندیشه های خود پردازند. افراشته نیز یکی از شاعرانی است که در این دوران به سرودن شعر می پردازد.

از ویژگی های مهم شعر افراشته می توان به راستی و درستی احساس و اندیشه و سادگی و ظرافت کلمات و عبارات شعریش اشاره کرد. افراشته دروغ نمی گوید و اهل تفاخر و تظاهر نیست. افراشته به خوبی توانست خشم و نیاز دیرمانده توده رنج دیده را با ساده ترین زبان بیان کند. آنچه که در شعر سنتی به لحاظ روانی و سادگی به سعدی و ایرج نسبت می دهند به نوعی در شعر افراشته جلوه گری می کند. محمدعلی افراشته در طنز مهارت خاصی دارد. «طنز او در خنده ای بی ریا، دل ها را با گزش خشم آشنا می کند و چشم ها بر حقیقت جامعه ی ستم بنیاد ایران می گشاید. (همان: ۸) بنابراین آشنایی با افکار و اندیشه ها و ساختار زبان شعری محمدعلی افراشته ضروری و مناسب به نظر می رسد. یکی از جریان های شعری در دوران معاصر، شعر سنت گراست که شاعران سنت گرا از نظر پایبندی به معیارهای زیباشناختی و فنی شعر کهن، میزان نوآوری و نوجویی کاملاً همسنگ نیستند (حسین پورچافی، ۱۳۹۰: ۵۳) برخی از این شاعران از هر جهت از شعر سنتی فارسی تبعیت می کنند. مانند هادی حائری، حسین مسرور و وحید دستگردی. گروهی دیگر در عین پیروی از سبک شاعران بزرگ گذشته، خود نیز از ذوق و استعداد شعری برخوردار بوده اند. مانند رهی معیری، مهرداد اوستا و امیری فیروز کوهی. دسته دیگر از شاعرانی هستند که درصددند تا هم از نظر زبانی و هم از نظر بیان، نوع تصاویر و نگرش به جهان تغییراتی ایجاد کنند (همان ۵۳-۵۵). افراشته از جمله شاعرانی است که در ساخت و قالب های قدیم شعر سروده است. قالب هایی مانند قصیده، مثنوی و ترکیب بند و مانند این. اما از نظر محتوا و برخی از ویژگی های زبانی و بیانی نگاهی نویی را در شعر خود عرضه داشته است و همان گونه که در قسمت تحلیل محتوایی و زبانی شعر وی اشاره خواهد شد، در شعر او زندگی امروز جریان دارد و به زبان مردم کوچه و بازار نیز توجه ویژه داشته است. هر چند که توجه بیش از

حد به تبلیغ و ترویج اندیشه‌ها، سبب شده تا شعر او از شعرهای سطح‌عالی فاصله بگیرد و جنبه شعاری بودن بر جنبه شعر بودن غلبه بیابد.

یکی از ویژگی‌های شعر وی طنز است. طنز افراشته براساس آفرینش تیپ‌هایی است که در دوره‌های مختلف کم و بیش تکرار می‌شود و همین مسأله طنز او رابرجسته کرده و باعث شده در دوره‌های مختلف بتوان از سخن طنزآمیز او لذت برد. طنز گزنده و تلخ شعرش همه‌ی مسائل اجتماعی روز از جمله بیکاری‌ها، دربدری‌ها، محرومیت‌ها، تبعیض‌ها، رشوه‌خواری‌ها و فساد حاکم بر دستگاه حکومت را بیان می‌کند.

روانی شعر افراشته و توصیف‌های دقیق او از تیپ‌ها و طبقات اجتماعی، از توانمندی‌های برجسته دیگر اوست که به این سهولت قابل تقلید نیست. از ویژگی‌های دیگر افراشته، زبان ساده و بی‌پیرایه نوشته‌های او بود که در آنها ظاهراً اعتنایی به قواعد فصاحت و بلاغت و رعایت لطایف معانی و بیان در شعر و نثر، دست کم به شکلی که پاره‌ای از ادبا و شعرای سبک کهن به آنها دلبستگی نشان می‌دادند، نداشت و ایجازی که در سخن او کاملاً مشهود است شعر او را در زمان خود ورد زبان مردم و بعد از آن نیز ماندگار و خواندنی کرده است.

افراشته این شاعر طنزپرداز جنجالی علاوه بر شاعری و داستان‌نویسی، دستی هم در نمایشنامه و تعزیه‌نویسی داشت که آفرینش‌های هنری متفاوتی از ادبیات هستند و او اولین کسی است که قالب تعزیه را در مقولات غیر مذهبی و برای بیان طنزآمیز مسائل و مشکلات روستا به کار برده است. تعزیه در تاکستان از بهترین نمونه‌های آثار او در این قالب است.

با آن که آثار قلمی‌اش در مطبوعات طنزآمیز آن روزگار، که به آنها نشریات فکاهی می‌گفتند، به فراوانی انتشار می‌یافت، به ویژه اشعار گیلکی او در قلمرو این گویش شهرت و محبوبیت فراوان داشت اما این روزنامه چلنگر خودش بود که نام و آوازه او را در سراسر ایران بر سر زبان‌ها انداخت. افراشته روزنامه‌اش را در قطعی کوچک و تکرنگ و صفحه‌آرایی ساده و بی‌ادعا، در محتوا مطلقاً عاری از هجو و هزل، همراه با کاریکاتورهای زیاد و جالب چاپ می‌کرد و از آن برای بیان آزاد افکارش بهره می‌گرفت. چلنگر در طول حیات کوتاه خود به فراوانی توقیف شد و هر بار با نام دیگری انتشاریافت که برخی از آنها از این قرار است: شطرنج سیاسی، منطق امروز، جاجرود، نیروی صلح، ارزش کار، رنگین‌کمان، شب‌چراغ، به سوی صلح، پیشتازان، بوتۀ زر و همراه...

از افراشته حدود چهل داستان، چند کمدی و تعزیه بر جای مانده که شماری از آنها جداگانه چاپ شده‌اند. اسامی قلمی افراشته عبارت بودند از ستوده، معمارباشی، عمو چلنگر و پرستو چلچله‌زاده. افراشته در سال ۱۳۳۴ با هویت و گذرنامه جعلی از ایران خارج شد و در ۱۹ اردیبهشت سال ۱۳۳۸ در صوفیه، بلغارستان درگذشت. در این پژوهش به بررسی و تحلیل شعر او از جهت محتوا و مضمون، زبان و بلاغت پرداخته خواهد شد.

۱-۱-۳- افراشته، حزب توده و شعر چپ گرا

به دلیل این که افراشته توده ای بوده است و شعر خود را وسیله ای برای ترویج اندیشه های کمونیستی و سوسیالیستی قرار داده بنابراین در این قسمت به معرفی حزب توده پرداخته می شود.

حزب توده ایران سازمان اصلی چپ در تاریخ معاصر ایران است. این حزب به عنوان وارث سوسیال دموکراسی عهد مشروطه و حزب کمونیست ایران در تهران تأسیس شد. بنیان گذاران آن عده ای از روشنفکران و فعالان چپ گرای ایران بودند که اغلب در دوره رضا شاه تحت تعقیب یا در زندان بودند. با سقوط رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ فضای باز سیاسی پدیدار شد و در پی این آزادی سیاسی بود که بسیاری از محکومین سیاسی دوره رضا خانی از زندانها آزاد شدند، نشریات بسیاری منتشر و فعالیت احزاب آغاز شد. حزب توده یکی از اولین احزابی بود که تشکیل شد. اعضای سابق حزب کمونیست و برخی از اعضای گروه ۵۳ نفر که از زندان آزاد شده بودند، تصمیم به ادامه فعالیت گرفتند و پس از تأیید این فعالیت از سوی سفارت شوروی، در دهم مهر ۱۳۲۰ در منزل سلیمان میرزا اسکندری در خیابان ژاله (۱۷ شهریور فعلی) گرد هم جمع شدند تا بنای یک حزب کمونیستی را بگذارند. (طبری، ۱۳۶۶: ۴۳). در این جلسه سلیمان میرزا اسکندری که سابقه فعالیت سیاسی و حزبی در دوره مشروطه نیز داشت، از ضرورت تشکیل یک حزب برای دفاع از آزادی و ممانعت از شکل گیری دیکتاتوری سخن گفت و به اتفاق آرای حاضران به ریاست حزب تازه پای توده برگزیده شد. حاضران در جلسه پانزده نفر را برای حضور در کمیته مرکزی موقت انتخاب کردند که وظیفه آنها تدوین مرامنامه و اساسنامه حزب بود. (همان، ۲۵۱) اما علت نامگذاری این حزب و به کار نبردن واژه‌هایی چون کمونیست و اشتراکی و سرخ و سوسیالیست و ... را باید در توصیه یوسف استالین رهبر کشور شوراهای جست که اعتقاد داشت «در کشورهای عقب مانده کمونیستها نباید به نام حزب کمونیست فعالیت کنند» (کیانوری، ۱۳۷۱: ۷۵) و به دنبال همین توصیه بود که روسها نیز به اعضای حزب پیشنهاد دادند تا با توجه به آنکه ایران کشوری اسلامی است و کمونیسم در آن جایی نخواهد داشت نامی فراگیرتر به این حزب داده شود تا تعداد بیشتری جذب آن شوند و سفارت شوروی در ایران نیز بر این امر تأکید کرد و اعضای حزب نیز نام توده را برگزیدند. مرامنامه حزبنیز با هشت اصل تدوین شد. این هشت اصل همگی از اصولی بود که برای پیشرفت و ترقی ایران لازم شمرده می شد و برای جذب افراد به حزب بسیار کارآمد بود؛ اما گذشت زمان نشان داد که این اصول شعارهای عوام فریبانه‌ای بیش نبودند.

حزب پس از اعلام موجودیت رسمی سعی کرد تا صاحب روزنامه بشود و عباس اسکندری یکی از اعضای کمیته مرکزی موقت که صاحب امتیاز روزنامه سیاست بود، روزنامه خود را به حزب واگذار کرد. اما پیش از سیاست روزنامه ای دیگر با سیاست ضد فاشیستی و با حمایت انگلیسیها و روسها به نام روزنامه مردم منتشر که مطالب این روزنامه بر ضد آلمان هیتلری و متحدین و حمایت از متفقین بود و هزینه چاپ روزنامه نیز از سوی شوروی و انگلیس که نیروهایشان در ایران مستقر بودند، پرداخت می شد. در کنفرانس محرمانه ای که در

مهرماه ۱۳۲۱ تشکیل شد مرامنامه و اساسنامه حزب تغییراتی پیدا کرد و مفادی در خصوص کارگران، زنان و لغو قانون ضد فعالیتهای کمونیستی گنجانده شد. در انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی حزب توده نیز بیست نامزد داشت و از این بیست نفر با مساعدتهایی که روسها انجام می دادند هشت نفر به مجلس راه یافتند و فراکسیون حزب توده را تشکیل دادند.

از منظر توده‌ایها امتیاز دادن به غربیها مردود بود؛ ولی هرگونه امتیاز به شرق مورد تأیید و تحسین باید قرار می گرفت. در نهایت با سوء قصد به جان محمدرضا پهلوی توسط ناصر فخرآرایی عضو سابق حزب در محوطه دانشگاه تهران، حزب از سوی حکومت غیرقانونی اعلام شد و از این پس فعالیت مخفیانه خود را آغاز کرد. حزب پیش از سوء قصد به جان محمدرضا پهلوی سابقه ترور محمد مسعود مدیر روزنامه مرد امروز را در پرونده خود داشت.

با روی کار آمدن دولت دکتر مصدق فعالیت حزب به رغم غیر قانونی بودن شکل علنی پیدا کرد. حزب سازمانی به نام جمعیت ملی مبارزه با استعمار راه انداخته بود که سازمان علنی حزب محسوب می شد. (همان، ۵۹۱) حزب توده با پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت خود را با وعده وفاداری به آرمانهای انقلاب رسماً آغاز کرد؛ ولی نشان داد که قصد وفاداری ندارد. جرم حزب توده جاسوسی برای اتحاد جماهیر شوروی بود و رهبران حزب در محاکمات خود به این امر اعتراف کردند.

جلال آل احمد که خود روزگاری یکی از اعضای حزب توده بود و با شناختی که از حزب به دست آورد، از آن جدا شد، در مورد وابستگی و ضعف حزب می نویسد:

.. گرچه هم اهل حکومتی و هم مردم عادی عامی می دانستند که یک توده‌ای یعنی کسی که سیاست استالینی پشت سرش ایستاده - و هر دو به همین دلیل برای آن حزب اعتبار قائل بودند و عضویتش را می پذیرفتند - به مطبوعاتش کمک مالی می کردند، ما مدام می کوشیدیم که این واقعیت افواهی را تکذیب کنیم. کوشش مدام ما این بود که بگوییم یک توده‌ای یعنی یک ایده ایست پر جوش و خروش و یک کتاب خوانده مصلح و انقلابی و آن حزب ابزار کارش، و اگر روسیه شوروی از آن دفاعی می کند به این علت است که مادر سوسیالیسم است و ستاد زحمتکشان و همدرد همه ملل استعمارزده. (آل احمد، ۱۳۷۳: ۴۲۸).

نکته ای که باید به آن اشاره کرد، رابطه شاعران و شعرشان با حزب توده و تبلیغ اندیشه های سوسیالیستی است. در دوره پهلوی افکار چپ چنان جذابیتی در بین روشنفکران و شاعران و نویسندگان داشت که طیف زیادی از این گروه ها به عضویت حزب در آمدند و این عضویت آنها سبب شد که تعداد فراوانی از شاعران قسمتی یا حتی تمام اشعار خود را در جهت تبلیغ اندیشه های توده ای ها اختصاص دهند. «تبلیغات آن حزب چنان گسترده و قوی بود که در آن سال ها توده ای بودن و چپ بودن و حداقل تظاهر به چپ بودن، مد روز شده بود؛ چه این حزب قادر بود حتی در کوتاه مدت، فی المثل، شاعر یا نویسنده ای مخالف یا بی طرف را به صورت یک پول سیاه در بیاورد؛ همان طوری که می توانست، در طی چند دهه ده ها شاعر و نویسنده کم مایه و درجه سوم و چهارم را نیز در نشریات خود به عنوان شاعران و نویسندگان بی مانند معرفی کند.» (زرقانی، ۱۳۸۷: ۲۳۷) جز این که حزب توده می توانست شاعران را به اوج برساند یا به حضيض بکشاند، مفاهیم مورد نظر حزب نیز در شعر بسیاری از شاعران تأثیر گذاشت؛ مفاهیمی همچون، تقابل فقر و غنی، ارباب و رعیت، کارفرما و کارگر، رنجبر، مبارزه با امپریالیسم، مسائل زنان و کودکان. همچنین توجه بیش از حد شاعران توده ای به بیان مسائل سوسیالیستی سبب شده تا شعر آنها جنبه شعاری داشته باشد. به طور کلی در

این باره می توان گفت: «حزب توده هم در تئوری شعر و نقد ادبی و هم در رشد یک شاعر یا گروه خاص شعرا تأثیر داشت.» (همان) افراشته یکی از شاعرانی است که به عنوان شاعر توده ای شناخته شده است و او را نماینده «صدای ادبیات کارگری» نامیده اند .

۱-۲- اهداف اصلی طرح

شناخت و معرفی شعر محمدعلی افراشته.
آشنایی با جامعه ، ایدئولوژی و اندیشه محمدعلی افراشته.
بررسی و تحلیل زبان و ساختار و محتوای شعر محمدعلی افراشته.

۱-۳- ارائه فرضیات

شعر افراشته به لحاظ زبان و ساختار ساده و به نوعی سهل و ممتنع است.
محتوای شعر افراشته عموماً متأثر از ایدئولوژی فکری او و دارای مضامین انتقادی نسبت به ساختار حکومت وقت بوده است.
شعر و زبان شعری محمدعلی افراشته متأثر از گویش عامه و فرهنگ توده است.
بسیاری از اشعار انتقادی افراشته ساختاری طنزآمیز دارد.

۱-۴- پیشینه تحقیق و بررسی منابع

در مورد آثار محمدعلی افراشته جز مطالبی پراکنده در مورد حزب توده و زندگی نامه افراشته ، تحقیقی جامع و درخور ذکر صورت نگرفته است.

۱-۵- مواد و روش اجرا

شیوه ی تحقیق در این پایان نامه به صورت اسنادی و کتابخانه ای است. منابع لازم و کتاب شناسی ها، شناسایی و گردآوری شد. اطلاعات لازم فیش برداری و با ذکر مشخصات منابع در برگه های فیش به طور منظم یادداشت گردید. پس از آن تنظیم، طبقه بندی و تدوین موضوعی اطلاعات و داده ها و بعد از آن ویرایش نهایی و آماده سازی متن انجام شد.

فصل دوم

محتوا و موضوعات درونی شعر افراشته

۲-۱- تعهد گرایی در شعر

تعهد در برابر مردم و مسائل سیاسی و اجتماعی یکی از ویژگی های ادبیات معاصر است: «مسئله تعهد در هنر که غالباً از آن تعهد اجتماعی اراده می شود، از جمله مسائل مورد بحث تاریخ هنر به خصوص در دوره معاصر است. با توجه به اینکه زیبایی از جمله ویژگی های هنر است، همواره عقیده به زیبایی برای زیبایی یا هنر برای هنر به مقدمه عقیده ای مخالف با تعهد در هنر تلقی شده است. برای آنان که مسئله تعهد در هنر را یک اصل مسلم و لازم می دانند، زیبایی و هنری که نفعی از آن در جهت بهروزی مردم و بهبود اوضاع سیاسی و اجتماعی حاصل نشود و همچون سلاحی بر ضد ستمگران به کار نرود، زیبایی و هنری بی ارزش و بیهوده است» (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۲۸)

افراشته نیز از جمله شاعرانی است که شعر را ابزاری می داند برای بیان مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه و با توجه به اندیشه های کمونیستی اش، هدف خود از سرودن شعر را، آگاهی بخشیدن به توده ها بیان می کند.

در قطعه شعر «ناصح الشعرا» افراشته از زبان نصیحت گوئی که رسالت شعر را توصیف زیبایی ها می داند و پرداختن به مسایل اجتماعی و مشکلات مردم را وظیفه ی شاعر نمی داند با زبان طنزآمیز و به طور غیرمستقیم مسایل و مشکلات مهم مردم را مطرح و با نفی زبانی آن ها به نوعی بر وجود چنین نابسامانی ها و مشکلات مهر تأیید می زند.

تأسیس، روی، ناپره، دانی که نه والله سطری عربی تانی خوانی؟ که نه والله

شعرت همه عریان ز «مراعات» نظیر است نان گویی و افسوس که بی ذکر پنییر است (افراشته، ۱۳۵۸: ۵۴)

ناصر الشعرا که در حقیقت نمونه ای از شاعرانی است که شعر را در خدمت مضامینی چون توصیف طبیعت می دانند، از افراشته انتقاد می کند چرا شعرش را در خدمت مضامین اجتماعی قرار داده است و مانند آن ها به مسائلی همچون عشق نپرداخته است:

شایسته تعریف گل و فصل بهار است آن هم به همان سبک ابیوردی مرحوم ما شاعر شهریم مجرد ز علایق نان نیست، نباشد، که سر یار سلامت ما را چه «آجان» آمده با موجر منزل دنیای دنی را همه گر آب بگیرد	وقف ابد ساق و سل و سینه ی یار است بی دخل و تصرف به همان مهر و همان موم مرد هنری را چه به اوضاع خلاق؟ بیکاری و فقر است! که دلدار سلامت ما کشته ی عشقیم به صد دل نه به یک دل ما اهل دلان را همگی خواب بگیرد (ص ۵۵)
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

در شعر «سنگر» شاعر به طور صریح رسالت شعر را بیان و اشاره می کند که شعرش در خدمت توده هاست و در آن اثری از مدح شاهان نیست:

شاعر توده ی ایرانم من شاعر مدح کن رنجبرم آستان بوس نیم شاهان را	چه مقامیست از این بالاتر بسته ام طوق غلامی به کمر شده ام نزد فقیران نوکر (ص ۴۴)
-----------------------------------------------------------------------	---------------------------------------------------------------------------------------

همچنین در شعر «پندیات» این شاعر چپ گرا به نقش شعر در بیدار کردن توده ها و آگاه کردن آن ها از حقوق خود اشاره کرده است .

دیده ام شعر تو در دکان ده یک نفر می خواند با صوت بلند در تمام کارخانه کارگر بدتر از سیل ملخ، اشعار تو تخم غوغای غریبی کاشتی	رخنه کرده بر همه ارکان ده مردها زن ها همه کف می زدند خستگی را می کند با شعرت در هست عزرائیل ما، گفتار تو جای یک سانت آشتی نگذاشتی (ص ۳۳)
-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

می توان از گفته های افراشته درباره ی تعهد شعر نتیجه گرفت که تعهد این شاعر بیش از آن که مربوط به توده ها و عام مردم باشد، به اهداف حزب است اگر به توصیف طبیعت نمی پردازد یا این که شعرش از دربار فاصله گرفته است، به این معنا نیست که مانند برخی از شاعران معاصر تنها به بیان دردهای مردم می پردازد؛ بلکه آن مضامینی از مسایل توده ها را برجسته می کند که مورد نظر حزب توده است.

۲-۲- زن

یکی از مسائل مطرح در دوران حکومت پهلوی اول و دوم مسائل زنان و شکل گرفتن اقداماتی در جهت بالا بردن کیفیت سطح زندگی آن هاست. «در دوره رضاشاه، کشف حجاب، تشکیل کانون «بانوان ایران» و «بانوان شیر خورشید»، تحصیل و اشتغال زنان طبقه متوسط و بالا، از جمله اقداماتی بود که در جهت تحول زندگی زنان صورت گرفت.» (صادقی، ۱۳۸۲: ۶۲)

قابل ذکر است که «حزب توده یکی از نخستین تشکل‌هایی است که با ایجاد تشکل‌ها و سازمان‌ها، زنان را به عرصه سیاست وارد کرد» (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۹: ۱۰) فعالیت حزب توده در میان زنان در سال ۱۳۲۲ با تشکیل سازمان زنان برای اعضای حزب و جامعه‌ی زنان شروع شد. حزب توده تنها سازمانی بود که زنان را پیوسته بسیج کرد و با قدرت تمام برای حقوق آن‌ها مبارزه کرد. «جامعه‌ی زنان حزب، خواستار گسترش حقوق سیاسی اجتماعی، کلاس‌های سوادآموزی و باشگاه‌های آموزشی برای زنان بود و آن‌ها برای گرفتن حق رأی برای زنان دولت وقت را بسیار تحت فشار گذاشتند» (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۰۴-۳۰۵) حزب توده نیز یکی از نخستین احزاب و تشکیلات بودند که به طرح مشکلات زنان پرداختند و برای احقاق حقوق زنان تلاش کردند.

افراشته نیز متأثر از طرح مباحث زنان در حزب، برخی از مسائل و مشکلات زنان ایرانی را در این دوره به خصوص پهلوی دوم به تصویر کشیده است که در زیر بررسی می‌شوند.

یکی از کلیشه‌های جنسیتی در جوامع مختلف به خصوص ایران، نگاه منفی به فرزند دختر است. افراشته در شعر «دختر» از این نوع نگاه تحقیرآمیز نسبت به دختران انتقاد کرده است و می‌گوید در جامعه‌ی امروز ایران که نظام طبقاتی حاکم است، فرزند دهقانان چه پسر باشد و چه دختر، از نظر سرنوشت، تفاوتی با هم ندارند؛ چرا که پسر نوکر می‌شود و دختر کلفت:

عوض گر نشود حال و روز این کشور شود «روزای» تو کلفت «رضای» تو نوکر (ص ۱۷۵)

و در شعر دیگری می‌گوید در جامعه امروز، دختران نقش بارزتر و مؤثرتری در فعالیت‌های سیاسی دارند. نمونه آن دختری به نام پروانه است که پاهای خود را در روز یکشنبه ۲۴ تیر ۱۳۳۰ به خاطر شرکت در تظاهرات از دست داده است:

بیا ببین هنر دختران ایران را	به شیر مادرت ای شیر شرزه پروانه
بیا ببین جگر نوشکفته دختر را	ببین نمونه‌ای از یک «جدید انسان» را
بیا بیا تو هم آجر بده برای بنا	بیا ببین جلو تانگ رفته دختر را
اگر که دختر اینست شصت و شش تا پسر	ز نوع پان پارازیت‌ها فدای این دختر
سلام ما به تو ای روسفیدگر دختر	که تا گله نکنی از عیال دخترزا

یکی از عواملی که مانع حضور زنان در عرصه ی سیاست و اجتماع شده، نگاه سنتی است. در شعر «ارتجاع داخلی تر جلد اول و دوم» شاعر بر آن است تا نشان دهد که نگرش سنتی مانع حضور افراد چه زن و چه مرد در فعالیت های سیاسی و اجتماعی است. وقتی زنان یا مردان نگرش سنتی نسبت به مسائل داشته باشند و نتوانند ضرورت های جامعه ی امروز را تشخیص دهند، این نوع نگرش آن ها سبب می شود که مردان و زنان از مشارکت همدیگر در فعالیت های اجتماعی و سیاسی جلوگیری کنند. در شعر «ارتجاع داخلی تر جلد اول» زن مخالف سیاست است و از شوهرش می خواهد که از شرکت در فعالیت های حزبی دوری گزیند و تنها به زندگی فردی خود بپردازد. البته شاعر قصد دارد با نگارش این گفتگو مسایل و مشکلات جامعه را از زبان دیگران بیان نماید. که این شیوه خود شگردی برای طنزپردازی است.

مردم شورت ببرد شوهرش	حزب همش، حوزه همش، جلسه همش
برو ای مرد حسابی پی پول	نکن اینقدر خودت را مشغول
مکه ای شد پسر بقاله	تو برو حزب، بزن هی ناله
بتو چه کارگران برهنه اند؟	بتو چه رنجبران گرسنه اند؟
بتو چه برزگران دریدرند؟	بتو چه مفتخوران غرق زرند؟
بتو چه رفتن در برزن ها ؟	به شماها چه حقوق زن ها؟
هرکه حق داشت خودش می گیرد	یا که در زیر ستم می میرد
سابقاً بچه ی مردم بودی	با زنت مونس و همدم بودی
جمعه ها چشمه علی آب علی	جمع بودیم همه فامیلی
سینما، کافه و شهر و شمران	خانه ی خاله قزی جان دائی قزی جان
دو سه سالی که شد این حزب به پا	شده ام خانه نشین، خانه بپا (ص ۱۵۰)

در جلد دوم این شعر، نگاه مرد نسبت به زن به تصویر کشیده شده است. مرد سنتی مخالف حضور زن در اجتماع و در فعالیت های سیاسی است و با بیان محدودیت فراوان اجتماعی و فرهنگی، زمان برای حضور زنان در فعالیت های جامعه، به نوعی به انتقاد از این باورها می پردازد. «افکار، اندیشه ها، سنتها، و عادات مردم عرفی را ساخته بود که حضور زن در جامعه و شرکت در تصمیم گیری های سیاسی و اجتماعی را بر نمی تافت. مردان ایرانی هرگز به مخیله ی خود راه نمیدادند که زن هم میتواند در امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن هم در سطح کلان شرکت کند» (ناجی راد، ۱۳۸۲: ۲۴۷)

زن یک همچو منی آزاده	ساکت و صامت و جا افتاده
حق چه دارد برود تشکیلات	بکند صرف، تمام اوقات
حیف این عمر عزیز چو طلا	که شود صرف چنین پرت و پلا
زن کجا بحث امور جاری؟	زن کجا امر سیاست داری؟